

Typology of Doubts Regarding the Verses on Hijab Based on Exegetical and Historical Objections

Zahra Mohammad-Parchavi* / Ali Amin Rostami**

Received Date: 2025/05/25

Accepted Date: 2025/07/07

Abstract

The verses 31 of Surat al-Nur and 59 of Surat al-Ahzab constitute some of the most significant jurisprudential proofs for the obligation of hijab. The denotation of these verses regarding the obligation of hijab has been the subject of challenges over time, with numerous and varied objections raised against it. Since the existence of doubts in any issue inflicts intellectual and practical damage, classifying and analyzing these doubts is essential for a deeper understanding of their nature, origins, and the formulation of appropriate, contextually relevant responses. This study employs a descriptive-analytical methodology grounded in library-based sources.

The research findings indicate that objections to these verses can be categorized into several categories. Jurisprudential doubts concern disagreements over the meanings and applications of “adornment” (zīnah), the term “display” (ibdā’), the phrase “except what is apparent thereof” (illā mā zahara minhā), the meaning of “outer garment or chador” (jilbāb), as well as whether hijab is a religious and educational obligation. Exegetical objections focus on the perceived insignificance of hijab, questioning its relevance based on the context and tone of the verses, its personal nature, and the absence of a specified punishment for non-compliance. Historical objections address the alleged absence of hijab in early Islam, the argument that hijab was introduced after Islam, and the historical context of the Quranic verses. Social objections raise concerns that legislating hijab infringes upon individual freedoms, restricts women’s social participation, and may lead to social unrest, invoking the notion that “human beings are inclined to what is prohibited.” Finally, legal objections argue that the personal nature of hijab, the lack of a mandatory hijab law following the revelation of these verses, and the Quranic prohibition against coercion in religious matters render legal enforcement impractical. This article provides concise responses to each of these categories of objections.

Keywords: *typology of objections, the verses regarding hijab, jurisprudential objections, social objections, historical objections, legal objections*

DOI: 10.22034/ssr.2025.233884

* Researcher in the Institute for Islamic Studies, Jamiat al-Zahra (Corresponding Author) (zmparchavi@gmail.com).

** Level 4 in Jurisprudence and Principles, Qom Seminary/Assistant Professor in the History Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute, (ali.amini1353@yahoo.com).

تصنيف الشبهات حول آيات الحجاب القرآنية بالتركيز على الشبهات التفسيرية والتاريخية

زهرا مجد پرجوي* / علي أمين رستمی**

القبول: ١٤٤٧/٠١/١١

الإستلام: ١٤٤٦/١١/٢٧

الملخص

تعدّ آيات النور (٣١) والأحزاب (٥٩) من أهم الأدلة الفقهية الدالة على وجوب الحجاب. غير أنّ دالتهما على الوجوب كانت - منذ العصور الماضية حتى اليوم - عرضةً لهجمات وشبهات متعددة ومتنوعة. وبما أنّ إثارة الشبهات في أيّ مسألة تمسّ الفكر والسلوك تؤدي إلى إشكالات معرفية وعملية، فإنّ تصنيف الشبهات المتعلقة بآيات الحجاب وتحليل أنواعها المختلفة يساعد على فهم أعمق لطبيعتها ومصادرها، ويسهم في تقديم إجابات علمية مناسبة ومتكاملة لها. وقد اعتمد هذا البحث المنهج الوصفي - التحليلي مع الاستناد إلى المصادر المكتوبة في معالجة هذا الموضوع. توصلت البحث إلى أنّ الشبهات المثارة حول هذه الآيات يمكن تقسيمها إلى عدّة أقسام: ١- الشبهات الفقهية: تتعلّق باختلاف الفقهاء في معنى كلمة «الزينة» ومصادقها، وفي دلالة ألفاظ مثل «الإبداء» وعبارة «إلا ما ظهر منها»، ومعنى «الجلباب» في الآيتين، إضافةً إلى كون الحجاب تربية إيمانية أكثر من كونه تكليفاً فقهياً. و٢- الشبهات التفسيرية: تشير إلى قلة أهمية أمر الحجاب بسبب سياق الآيات وأسلوبها، وإلى أنّه شأنٌ فردي لا يترتب عليه عقاب شرعي على تركه. و٣- الشبهات التاريخية: تتمحور حول الادّعاء بعدم وجود الحجاب في صدر الإسلام، أو أنّ الحجاب تشريعٌ تأسيسيٌّ طارئ، وأنّ آيات الحجاب ترتبط بزمانٍ ومكانٍ خاصّين (تاريخيّة النص القرآني). و٤- الشبهات الاجتماعية: تركز على رفض تشريع الحجاب قانونياً بدعوى أنّه أمرٌ شخصيٌّ، وأنّه يقيد حرية المرأة أو يحدّ من نشاطها الاجتماعي، بل يؤدي إلى ازدياد التوتر المجتمعي طبقاً للقاعدة المعروفة: «الإنسان حريصٌ على ما مُنع منه». و٥- الشبهات القانونية: تتناول امتناع تقنين الحجاب لكونه شأنًا فردياً، وغياب تشريع للحجاب أو الحجاب الإجباري بعد نزول آياته، وقاعدة «لا إكراه في الدين». وقد تناولت الدراسة جميع هذه الشبهات بإجاباتٍ مختصرة ومركزة ضمن متن البحث.

الكلمات المفتاحية: تصنيف الشبهات، آيات الحجاب، الشبهات الفقهية، الشبهات الاجتماعية، الشبهات التاريخية، الشبهات القانونية.

DOI: 10.22034/ssr.2025.233884

* باحثة في مركز بحوث الدراسات الإسلامية - جامعة الزهراء (الكاتبة المسؤولة) (zmparchavi@gmil.com).
** المستوى الرابع في الفقه والأصول - الحوزة العلمية في قم / أستاذ مساعد في قسم التاريخ - مؤسسة الإمام الخميني (قدّس سرّه) التعليمية والبحثية (ali.amini1353@yahoo.com).

گونه‌شناسی شبهات درباره آیات حجاب با تکیه بر شبهات تفسیری و تاریخی

زهرا محمدپیرجوی* / علی امین‌رستمی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین ادله فقهی وجوب حجاب، آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب است. دلالت این آیات بر وجوب حجاب از گذشته تا به امروز مورد هجوم قرار گرفته و شبهات متعدد و متنوعی درباره آن وارد شده است. از آنجا که شبهات در هر مسئله‌ای، آسیب‌هایی به حوزه فکری و عملی افراد وارد می‌سازد، گونه‌شناسی شبهات آیات حجاب با دسته‌بندی و تحلیل انواع مختلف شبهات به درک بهتر ماهیت و منشأ شبهات و همچنین ارائه پاسخ‌های مناسب و متناسب به آن‌ها کمک می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به این امر پرداخته است. دستاورد این پژوهش ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که شبهات وارد شده به این آیات به چند بخش، قابل تقسیم است. شبهات فقهی به اختلاف در معنا و مصداق «زینت»، اختلاف در واژه «ابداء»، «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و معنای «جلباب» در این دو آیه و تربیتی و ایمانی بودن حجاب برمی‌گردد. شبهات تفسیری به کم‌اهمیت بودن امر حجاب به دلیل سیاق و لحن آیات، فردی بودن و عدم وجود مجازات بر بدحجابی اشاره دارد. شبهات تاریخی به نبود حجاب در صدر اسلام، تأسیسی بودن حجاب و تاریخ‌مندی آیات قرآن می‌پردازد. شبهات اجتماعی نیز به عدم جواز قانونی کردن امر حجاب به دلیل فردی بودن، مانع آزادی بودن و فعالیت اجتماعی زن و ایجاد التهاب بیشتر بر پایه الإنسان حریص علی ما مَنَع در جامعه اشاره دارد. شبهات قانونی نیز به عدم جواز قانونی کردن حجاب به دلیل شخصی بودن حجاب، نبود قانون حجاب یا حجاب اجباری بعد از نزول آیات حجاب و ممنوعیت اکراه در دین برمی‌گردد. در متن مقاله به همه این شبهات به صورت مختصر پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی شبهات، آیات حجاب، شبهات فقهی، شبهات اجتماعی، شبهات تاریخی و شبهات حقوقی.

DOI: 10.22034/ssr.2025.233884

** پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول) (zmparchavi@gmail.com).

** استادیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) (ali.amini1353@yahoo.com).

مقدمه

با توجه به شواهد تاریخی، حجاب و پوشش زنان در تمام اقوام و ادیان قبل از اسلام وجود داشته است (ویلدرانت، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۰). با ظهور اسلام نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته و آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب در این باره نازل شده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» (نور ۳۱)؛ «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب ۵۹)؛ حجابی که وجود داشته، می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۷، ص ۱۶۲).

هرچند از صدر اسلام با دستورات دینی از جمله آیات حجاب، مخالفت‌هایی صورت گرفته، اما از اوایل قرن بیستم میلادی، حجاب با دو چالش اصلی روبه‌رو بوده است؛ چالشی عینی و چالشی نظری. در عهد ناصری مخالفت با حجاب و حضور بدون حجاب و جنجال‌برانگیز قره‌العین (دختر ملا محمد صالح مجتهد قزوینی که به بابت گرایش پیدا کرده و کشف حجاب کرد)، در گردهمایی بایبه و بعد از آن در عصر مشروطیت در برخی مجالس اشراف و از سال ۱۳۱۴ به بعد به بدنه جامعه تعمیم یافته است (دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۱). تردید در محدوده حجاب از جمله وجوب ستر صورت یا پوشاندن زینت‌ها و... نیز در میان فقیهان گذشته و حال مطرح بوده و ناشی از فهم متمایز آنان از ادله شرعی و شیوه اجتهاد است (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۳۳۲؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۵۵). در دهه‌های اخیر به‌ویژه دهه هفتاد شمسی گروهی کم‌وبیش آشنا با ادبیات فقهی، به تردید در آموزه‌های دینی در مورد حجاب پرداختند. این افراد که بیشتر تحت تأثیر فضا‌های نواندیشی هستند با پیش‌فرض‌هایی همچون آزادی، تساهل، برابری و... سعی دارند در مطالعات خود به نتایجی برسند تا با گشایش تدریجی فضا، حامل فرستادن پیام‌های خوشنودکننده و رهایی‌ساز برای نسل جدید باشند (دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۱). یکی از مسائل مربوط به امر حجاب که بسیار مورد سؤال و مناقشه واقع شده است، آیات حجاب در قرآن است که درباره دلالت آن بر وجوب حجاب و مسائل پیرامونی آن شبهات فراوانی بیان شده است. با توجه به پراکندگی شبهات وارده، به جهت شناخت نوع شبهه و پاسخ درست، می‌توان آن‌ها را به بخش‌های مختلفی از جمله شبهات تفسیری، فقهی، حقوقی، اجتماعی و تاریخی، تقسیم کرد. گونه‌شناسی این شبهات به جهت پاسخگویی صحیح به

آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا شبهه مطرح شده در هر کدام از گونه‌هایی که ذکر شد، روش مطالعه، پژوهش و پاسخ‌گویی خود را می‌طلبد و روشن است که روش تحقیق و پژوهش در مسائل فقهی، حقوقی، اجتماعی، تفسیری و تاریخی متفاوت است.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه شبهات حجاب صورت گرفته از جمله کتاب **شبهات حجاب** از محمدحسین ملامیرزایی. در این کتاب شبهات مطرح در سطح جامعه جمع‌آوری شده و با رویکردی برون‌دینی و عقلانی پاسخ داده شده است. کتاب **حجاب در قرآن کریم** نوشته محمدجواد فاضل لنکرانی نیز به بررسی مباحث قرآنی و فقهی آیات حجاب و پاسخ به برخی شبهات پرداخته است. کتاب **پژوهش‌های فقهی حجاب** نوشته مجید دهقان نیز شامل تحلیل‌های فقهی و مذهبی درباره حجاب و آیات مرتبط است.

در میان مقالات نیز، مقاله «آیات حجاب و چالش‌های معاصر (نقد شبهات)» از سیدمحمدحسن جواهری در نشریه **شبهه‌پژوهی مطالعات قرآنی**، شماره ۲ به چاپ رسیده است. نتیجه این پژوهش اثبات وجود ظرفیت حجاب اجباری در آیات قرآن و نقش نظام اسلامی در اجرای آن می‌باشد.

مقاله «نقد و بررسی آراء و شبهات نوگرایان پیرامون آیه اخفای زینت» از محمد فاکر میبیدی و محمدتقی گل محمدی در نشریه **قرآن شناخت** شماره ۲۳ به چاپ رسیده است. در این مقاله آراء نواندیشان در مورد پوشش رایج زنان مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مقاله «مهم‌ترین شبهات درباره حجاب و پاسخ آن» از عباس نیر در نشریه **مطالعات فلسفی - کلامی**، شماره ۲۲، به چاپ رسیده است. در این مقاله نیز شبهات حجاب از جمله خلاف طبیعت بودن حجاب، محدودیت زنان و جلوگیری از پیشرفت آنان مطرح شده و به آن پاسخ داده شده است.

گفتنی است که در منابع پیش‌گفته با این نگاهی که پژوهش حاضر در پی آن است، به بحث پرداخته نشده است. تنها در مقاله «آیات حجاب و چالش‌های معاصر» از محمدحسن جواهری که در پیشتر ذکر آن گذشت، به این موضوع پرداخته شده، اما نویسنده تنها برخی از چالش‌ها از جمله عدم حجاب اجباری در عصر نبوی و ادله آن را مطرح کرده و مورد نقد و بررسی قرار داده است و به زوایایی که در این پژوهش به آن می‌پردازیم، اشاره نکرده است.

همان‌گونه که پیشتر گذشت، یکی از مهم‌ترین ادله حکم فقهی حجاب، آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ احزاب است. با توجه به این‌که شبهات بسیاری از جنبه‌های مختلف، به این آیات وارد شده، گونه‌شناسی این شبهات به جهت پاسخگویی صحیح به آن‌ها ضروری بوده و عدم وجود پژوهش

شبهاتی که به آیات فقهی قرآن از جمله آیات حجاب وارد می‌شود، صرفاً نسبت به حکم فقهی نیست، بلکه جنبه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ به همین دلیل گونه‌شناسی شبهات کمک شایانی به شناخت آن‌ها می‌کند.

۳. گونه‌شناسی شبهات حجاب

گونه‌شناسی شبهات آیات قرآن کریم درباره حجاب، به دسته‌بندی و تحلیل انواع مختلف شبهات و ابهاماتی اشاره دارد که در مورد تفسیر آیات حجاب، مسائل اجتماعی پیرامون آیات، احکام فقهی و حقوقی مستفاد از این آیات و بستر تاریخی و وقایع مرتبط با نزول آیات حجاب مطرح می‌شود.

۳-۱. شبهات فقهی

الف) حجاب حداکثری یا حداقلی

تردید در محدوده وجوب حجاب، از جمله وجوب یا عدم وجوب پوشش صورت یا زینت‌هایی که در صورت و دست‌ها موجود است، از زمان‌های گذشته تا به امروز در میان فقیهان مطرح بوده و ناشی از به‌کارگیری روش‌های متفاوت اجتهادی و فهم متمایز آنان از ادله شرعی و آیات حجاب است.

اختلاف نظرها در مورد آیه ۳۱ نور به اختلاف در معنا و مصداق زینت، اختلاف در واژه «ابداء» و تفسیر «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، برمی‌گردد که حکم فقهی آن را با توجه به تفاسیر مختلف از این فقرات، متفاوت می‌کند.

علامه طباطبایی «ابداء» در «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» را به معنای اظهارکردن و مراد از زینت را مواضع زینت می‌داند؛ چرا که ابداء نفس چیزهایی که زن با آن خود را زینت می‌کند، مانند النگو و گردنبند حرام نیست؛ بنابراین مراد از حرمت ابداء، حرمت ابداء محل زینت از بدن است که زینت به آن متصل می‌شود. همچنین مراد از «مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، وجه و کفین و قدم‌های زن است که خداوند آن را از حرمت ابداء، استثناء کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۱).

شیخ طوسی می‌گوید: «خداوند زنان را از ابداء زینت مگر به مقدار «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» نهی کرده است و زینتی که ابداء آن نهی شده دو قسم ظاهری و مخفی بوده و مراد از زینت ظاهری وجه و لباس و زینت مخفی، النگو، گردنبند و خلخال است که بنابر احتیاط، آشکارکردن این زینت‌ها نیز جایز نیست» (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۲۹).

مرحوم طبرسی نیز زینت را چیزی می‌داند که زن خود را به آن می‌آراید، از قبیل زیورآلات،

سرمه و خضاب کردن. ایشان زینت ظاهری را لباس و باطنی را از قبیل خلخال، دستبند و گوشواره می‌داند و می‌گوید پوشاندن زینت‌های ظاهری واجب نیست، اما پوشش زینت‌های باطنی واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷).

تفسیر مختلف از فرازهای این آیه موجب شده که برخی قائل به حجاب حداکثری (وجوب پوشاندن وجه و کفین) و برخی قائل به حجاب حداقلی (عدم وجوب پوشش وجه و کفین و زینت‌های ظاهری) می‌باشند.

در مورد آیه ۵۹ سوره احزاب نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اختلاف نظر در تفسیر واژه «جَلْبَاب» و «یُدْنِین» منجر به فهم متفاوت از این آیه در مورد حجاب شده است.

برخی قائلند جلباب وسیله پوشش سر و صورت بوده و واژه «أَدْنَى» در آیه با متعددی شدن با (علی) به معنای فروآوردن و نهادن، بیانگر این است که آیه شریفه خواستار پوشش سر و صورت زنان است. برخی نیز با تفسیر جلباب به سرپوش، قائلند که آیه شریفه دلالت بر پوشش سر و پیشانی دارد. برخی نیز با پذیرش دلالت آیه بر لزوم پوشش سر و صورت قائلند با توجه به فقره «ذَلِكِ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» این حکم کلی نبوده و اگر زمینه مزاحمت‌های عمومی از بین برود این حکم برداشته می‌شود؛ بنابراین برای روشن شدن دیدگاه قرآن در مورد حجاب باید به آیه ۳۱ نور مراجعه کرد که پس از این سوره نازل شده است (دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۸۵).

در پاسخ به شبهه محدوده حجاب می‌توان گفت که اختلاف نظرهای فوق در آیات حجاب ناشی از فهم متمایز فقها از آیات حجاب و در عین به کارگیری از روش‌های اجتهادی بوده و شبهاتی که به حکم فقهی این آیات وارد می‌شود، بیش از آن که ناشی از تأملات اجتهادی در فضای فقهی باشد، به تحولات هویتی واردکنندگان شبهات برمی‌گردد. شبهاتی که نواندیشان در برابر حکم فقهی مطرح کرده‌اند، اساتید فقهی حوزه را به چالش نکشیده و اصولاً آن قدر عیار فقهی نداشته تا آنان را به تأملات جدید وادارد، اما همین مباحث برای عموم مردم و بخشی از بدنه حوزه و دانشگاه چالش‌ساز بوده و آثار علمی مهمی در پاسخ به آنان تدوین شده است (دهقان و عشایری منفرد، ۱۳۹۸، ج ۲).

ب) ایمانی بودن حجاب

برخی قائلند که در آیات حجاب دین با دموکراسی سازگار است؛ زیرا خطاب حکم حجاب در قرآن با مؤمنین و مؤمنات است؛ یعنی رعایت حکم به ایمان افراد واگذار شده که امری انتخابی و خواستنی است و صرفاً گناهی است که فقط توسط خداوند قابل بازخواست است (فلاح تفتی،

۱۳۹۷، ص ۲۰۱). در همین زمینه برخی گفته‌اند اساساً حجاب برای افراد غیر مؤمن یا کسانی که به حجاب یا اسلام باور ندارند، لازم نیست. خطاب قرآن به مؤمنین در آیه ۵۹ احزاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ...» و روایاتی که به نگاه کردن به موها یا دست‌ان زنان بادیه را جایز می‌داند (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۰۵)، شاهد بر آن است. محمد شحرور نیز بعد از تعریف اقسام زینت و ریشه‌یابی جیب، حجاب را محدود به قسمتی از جیب که مربوط به باطن زن است می‌داند و در ادامه می‌گوید: «این مقدار پوشش هم حکمی شخصی و درعین حال تربیتی است و این حکم شخصی، در جهت تربیت زن از اعمال منافی عفت صادر شده است نه غیر آن» (شحرور، بی‌تا، ص ۶۰۷).

در پاسخ به این شبهه می‌گوییم: اولاً مراد از ایمان در قرآن انسان‌های بسیار مؤمن و متدین نیستند، بلکه مراد ایمان به خدا و پیامبر خداست که حداقل شروط مسلمان بودن است؛ لذا بسیاری از آیات با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است (بقره، ۱۷۸ و ۲۸۲، آل عمران ۱۰۰، ۱۳۰ و ۱۴۹)؛ ثانیاً با تتبع در آیات قرآن در می‌یابیم که بیشتر آیات اجتماعی قرآن خطاب به مؤمنان است؛ از جمله آیات قصاص: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ...» (بقره، ۱۷۸) و آیات دادوستد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...» (بقره، ۲۸۲). آیا این موارد از احکام اجتماعی قرآن نیستند؟! بنابراین خطاب به مؤمنان به معنای ایمانی بودن حجاب نیست. برعکس تصور کسانی که این شبهه را مطرح می‌کنند، در برخی موارد، عامه مردم اعم از مؤمن و غیر مؤمن به تقوا دعوت شده‌اند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء، ۱)؛ با این که ایمان و تقوا امری کاملاً شخصی است. همچنین آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره، ۱۶۸)، ای مردم از نعمت‌های حلال بهره‌مند شوید؛ بنابراین میان مخاطب قراردادن مؤمنان و اختیاری بودن تکالیفی که برعهده ایشان نهاده می‌شود، هیچ تلازمی وجود ندارد.

۲-۳. شبهات تفسیری

بخشی از شبهاتی که به آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب وارد شده، شبهاتی است که به نوع برداشت مفسرین از آیات، برمی‌گردد. مطرح‌کنندگان این شبهات، تفسیر جدیدی از آیات ارائه می‌دهند که در ادامه بیان خواهیم کرد.

الف) کم‌اهمیت بودن و فرعی بودن امر حجاب به دلیل لحن و سیاق آیات

یکی از مسائل رایج در عرف این است که در فعالیت‌های اجتماعی، امور مهم را رؤسا مطرح کرده

و امور کم‌اهمیت و فرعی را به افراد سطح پایین‌تر واگذار می‌کنند. خداوند نیز به تبعیت از این قانون عرف، در قرآن مسائل مهم و درجه اول را مستقیماً خودش بیان می‌کند و مسائل فرعی‌تر و کم‌اهمیت را به پیامبر محول می‌کند (ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۶، ص ۱۶۹). در مسئله حجاب خداوند به پیامبر امر می‌کند که به مردان مؤمن و زنان مؤمن، این‌گونه بگوید. تعبیر «قُل» در آیات حجاب: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۳۰)، «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ» (نور، ۳۱) و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ» (احزاب، ۵۹) بیانگر پیروی قرآن از این قانون عرفی است؛ بنابراین اگر حجاب، امر بااهمیتی بود و زنان ملزم به رعایت آن در اجتماع بودند، باید خداوند مستقیماً خطاب به زنان این دستور را بیان می‌کرد و یا لحن و سیاق آیه تغییر پیدا می‌کرد تا اهمیت امر حجاب و اهتمام شارع به رعایت آن مشخص می‌شد و چون باواسطه رسول اکرم بیان شده، امری کم‌اهمیت و از مسائل فرعی است (سروش محلاتی، ۱۳۹۷، ش ۶ و ۷ استناد به آلوسی، ج ۹، ص ۳۳۴).

در پاسخ به این شبهه می‌گوییم این‌گونه نیست که همیشه در عرف، مسائل بااهمیت از مقام بالا صادر شود و مسائل کم‌اهمیت را به دیگران واگذار کنند. برفرض پذیرش این‌که در عرف چنین امری رایج باشد، این‌گونه نیست که قرآن کریم نیز از آن تبعیت کند و هرچا کلمه «قُل» آمده، از امور جزئی و کم‌اهمیت باشد. در بسیاری از موارد خداوند، به دلیل اهمیت برخی مسائل جزئی و یا تأثیراتی که بر روی افراد و یا اجتماع دارد، مستقیماً خودش آن را مطرح کرده است؛ از جمله استمتاع از زنان در شب‌های ماه مبارک رمضان که از جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین مسائل زناشویی می‌باشد، فرمود: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» (بقره، ۱۸۷)؛ همچنین شروع امساک برای روزه، که می‌توانست این مسئله جزئی را به پیامبر واگذار کند، اما خود فرمود: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْحَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْحَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» (بقره، ۱۸۷).

مسائل دیگری مانند وفای به عهد و پیمان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱)، حفظ شعائر الهی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجَلَوْا شِعَابَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ...» (مائده، ۲)، حرمت مردار و خون: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ...» (مائده، ۳) و بسیاری از مسائل دیگر مستقیماً از جانب خداوند مطرح شده است و می‌توان گفت کم‌اهمیت و یا خصوصی و فرعی هستند.

از طرف دیگر بسیاری از مسائل بااهمیت و مهم دینی مربوط به اعتقادات از جمله توحید، معاد و... با کلمه «قُل» بیان شده و به پیامبر امر شده که به مردم بگوید: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» (کافرون، ۱ و ۲)، «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ...» (انعام، ۱۹) و «يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي» (اعراف، ۱۸۷).

با توجه به شواهد فوق تعبیر «قُل» در آیات حجاب، بیانگر خصوصی، فرعی و یا کم‌اهمیت

بودن امر حجاب نیست.

ب) حجاب امری فردی است، نه اجتماعی

یکی دیگر از شبهاتی که در مورد آیات حجاب مطرح می‌شود این است که مفسرین توجهی به برخی از فقرات این آیات نداشته و حجاب را امری اجتماعی معرفی کرده‌اند، در حالی که با دقت در برخی از فقرات این آیات، فردی بودن حجاب قابل اثبات است و امور فردی ارتباطی به اجتماع نداشته و قابلیت قانونی شدن را ندارند.

فردی بودن حجاب با توجه به آیات ۳۰ و ۳۱ نور قابل اثبات است؛ به این بیان که فقره «ذَلِكْ أَرْكَى لَهُمْ» در مقام تعلیل حکم غض بصر و حفظ فرج در آیه ۳۰ نور است و این تعلیل در آیه بعدی (۳۱) نیز مطرح شده است؛ بنابراین اگر حجاب علت دیگری غیر از تزکیه نفس داشت، باید ذکر می‌شد.

افزون بر این که فقره «أَرْكَى» از ماده «زکات» به معنای رشد و حیات معنوی انسان بوده و جنبه اخلاقی دارد. کلمه تزکیه در «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و در آیات متعدد دیگر قرآن در مورد پیامبران الهی آمده و به معنای طهارت روح است و طهارت روح، جنبه اخلاقی داشته و ناظر به کمال فرد است؛ بنابراین علت وجوب حجاب زنان، طهارت روح و رشد معنوی آنان است و این امر اخلاقی بوده و جنبه فردی دارد. به این معنا که هر فردی به وسیله حجاب خود را در معرض پاکی قرار داده و از آلودگی‌ها حفظ می‌کند (سروش محلاتی، ۱۳۹۷، ش ۶ و ۷).

در پاسخ به این شبهه ابتدا باید امر فردی و اجتماعی به درستی معنا شود. براساس چه تعریفی حجاب در قرآن فردی در نظر گرفته شده است؟ افزون بر این که فقره «ذَلِكْ أَرْكَى لَهُمْ» در پایان آیه ۳۰ نور، با ضمیر جمع مذکر «هم» آمده است و پر واضح است که این جمله تعلیل برای حفظ نگاه و پوشاندن عورت مردان است نه تعلیل برای حجاب زنان که موضوع بحث آیه ۳۱ است که مفسرین نیز به آن اشاره کرده‌اند: «عن سعید بن جبیر فی قول الله: ذَلِكْ أَرْكَى یعنی غض البصر و حفظ الفرج خیر لهم» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۸، ص ۲۵۷۲)؛ بنابراین در پایان آیه ۳۱ نور نه جمله «ذَلِكْ أَرْكَى لَهُمْ» آمده و نه دلیل قطعی داریم که این تعلیل درباره حجاب زنان هم وجود دارد.

علاوه بر این، بر فرض، از این جمله بتوان استفاده کرد که در آیه بعد نیز «ذَلِكْ أَرْكَى لَهُمْ» در تقدیر آمده است، این تعلیل باید مربوط به نگاه زنان و پوشاندن عورت آنان باشد که حکم مشترک مردان و زنان در دو آیه است نه تعلیل برای حجاب که حکم خاص بانوان در آیه ۳۱ است.

نکته بعدی این است که در بحث زکات و طهارت باطن، دو مسئله وجود دارد؛ یکی عامل ایجاد زکات و طهارت باطنی که در این آیه، غض بصر و حفظ فرج است و دوم نفس زکات و طهارت که نتیجه و حاصل غض بصر است. این دو امر از نظر حکم مساوی نیستند؛ زکات و طهارت نفس، امر فردی و اخلاقی است، اما لازم نیست عامل ایجادکننده آن نیز فردی باشد. از آیات قرآن استفاده می‌شود عامل ایجاد طهارت گاهی فردی است مانند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی، ۱۴) و گاهی اجتماعی است مانند «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه، ۱۰۳)؛ بنابراین بر فرض که «ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ» دلالت بر اخلاقی و فردی بودن زکات داشته باشد، اما دلالت ندارد که عامل ایجادکننده آن یعنی حجاب نیز امر فردی است. افزون بر این که مناسبات حکم و موضوع در اینجا بیانگر این است که علت حکم منع اجتماعات از اختلاط زنان و مردان، جلوگیری از فساد و اشاعه فحشاء است که منجر به سقوط جوامع می‌شود (بزدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۲۷).

محمد شحرور نیز با توجه به برخی فقرات آیات حجاب، از جمله زینت در «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» و جیب در «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» تفسیر متفاوتی از این دو واژه ارائه داده و در نتیجه حجاب را امری خصوصی و فردی معرفی می‌کند. ایشان بعد از بیان سه نوع زینت که در قرآن مطرح شده (زینت شیئی، مکانی، شیئی و مکانی)، زینت مطرح شده در آیات حجاب را، زینت مکانی و جسم زن معرفی می‌کند و مراد از جیب را شکاف معرفی کرده و می‌گوید: «جیب در زن، بر عضوی اطلاق می‌شود که دارای دو قسمت باشد؛ بنابراین دو سینه، زیر آن و فرج و سرین، جیب محسوب شده و تنها پوشش این قسمت‌ها کافی است» و این‌گونه نتیجه می‌گیرد: «این مقدار پوشش هم حکمی شخصی، در جهت تربیت و بازدارندگی زن از رفتار منافی عفت، صادر شده نه غیر از آن و نه یک حکم خشن و در قلمرو قانون و قابل پیگرد...» (شحرور، بی‌تا، ص ۶۰۶).

در پاسخ به این شبهه نیز می‌گوییم زینت از نظر لغت‌شناسان معانی متفاوتی دارد. ابن منظور زینت را اسم جامعی می‌داند به صورتی که هر آنچه زینت‌دهنده باشد را، در برمی‌گیرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۲). برخی نیز زینت را منحصر در مواردی می‌دانند که انسان با آن خود را می‌آراید (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۲۶۲) و برخی دیگر با بررسی کامل تری زینت را شامل سه قسم، زینت نفسانی مانند علم و اعتقادات نیکو، زینت بدنی مانند توان جسمی و زینت خارجی مانند مال و... می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۸۸)؛ بنابراین معنای لغوی زینت گسترده‌تر از معنایی است که محمد شحرور بیان کرده است.

نکته بعدی واژه جیب است که شحور آن را قسمت‌های باطنی بدن زن معنا کرده است و این در حالی است که از نظر لغویین هرگاه واژه جیب در مورد انسان به کار رفته به معنای شکاف پیراهن یا زره اوست و تنها یک مورد درباره خود انسان به کار رفته که به معنای قلب و سینه اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۸۸) که در اینجا مراد معنای ظاهری نیست؛ بنابراین تعبیر جیب برای اعضای دارای شکاف در بدن زن که باید پوشانده شود، تعبیر صحیحی نیست.

ج) عدم اهمیت امر حجاب به علت عدم مجازات در قرآن برای بدحجابی

احکام شرعی در قرآن به سه صورت آمده است: (۱). احکامی که مجازات دنیوی برای آن تعیین شده است مانند زنا، سرقت و محاربه که شارع مستقیماً به آن اشاره کرده و عقابش را مشخص کرده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ...» (مائده، ۳۳). (۲). احکامی که صراحتاً مجازات دنیوی در آن نیامده، اما کیفر و عقوبت اخروی آن بیان شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء، ۱۰)؛ این مسئله اهمیت این حکم را ثابت می‌کند. (۳). احکامی که با تعبیرات سنگین و شدیدی بیان شده است؛ مانند «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» که صرفاً به اجتناب از خمر اکتفا نشده است؛ بلکه افزون بر آن بر پلید بودن و شیطانی بودن هم تأکید شده است. بیان احکام به صورت موارد فوق بیانگر اهمیت آن حکم از دیدگاه شارع است. با دقت در آیات حجاب در می‌یابیم که در آیات حجاب تعبیری که بیانگر مجازات اخروی یا حتی مجازات دنیوی باشد، دیده نمی‌شود.

بنابراین اگر حجاب یک امر عمومی و درعین حال امر مهمی در جامعه باشد که اگر آسیب ببیند خانواده و جامعه با آسیب مهمی مواجه می‌شود، باید در لحن آیات هم این مسئله مشخص باشد و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شود در صورتی که این‌گونه نیست (سروش محلاتی، ۱۳۹۷، ش ۶ و ۷).

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت که ملاک اجتماعی بودن و یا با اهمیت بودن احکام، بیان مجازات یا عذاب اخروی نیست؛ زیرا برای تعیین مجازات عملی ملاک‌های خاصی وجود دارد. این مجازات‌ها در اسلام در چهار حوزه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۱، ص ۲۵۴) که ملاک جرم‌انگاری متفاوتی دارند و در هیچ‌کدام تلازمی بین فردی بودن و مجازات وجود ندارد، لذا مبنای استدلال صحیح نیست.

علاوه بر این که موارد نقض بسیاری در قرآن برای این پیش فرض وجود دارد، در قرآن کریم احکام فردی بسیاری آمده که مجازات آن مطرح شده و همچنین احکام اجتماعی بسیاری وجود دارد که صرفاً بیان شده و مجازاتی برای آن ذکر نشده است و این دلیل با اهمیت بودن اموری که مجازات آن بیان شده و کم اهمیت بودن اموری که مجازات آن مطرح شده نیست؛ از جمله این که نماز عملی فردیست، اما قرآن کریم در مورد برخی از نمازگزاران با لحن تهدید به عذاب سخن گفته است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون، ۴ و ۵)؛ همچنین قرآن برای ارتداد، عذاب الهی و حبیط اعمال را مطرح کرده، درحالی که ارتداد یک امر قلبی و فردی است: «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ» (بقره، ۲۱۷)؛ از سوی دیگر برای وجوب خمس که مسلماً حکم اجتماعی است، لحن تهدیدآمیز به کار نبرده و فرموده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ (انفال، ۴۱). بنابراین بیان و عدم بیان مجازات دنیوی و بیان عذاب اخروی، بیانگر فردی یا اجتماعی بودن حکم حجاب نیست.

افزون بر این، بر فرض که ذکر عذاب یا لفظ تهدیدآمیز و شدید برای عملی دلیل بر اجتماعی و عمومی بودن آن باشد، لازم نیست که فقط در قرآن ذکر شده باشد، بلکه در روایات معتبر نیز اگر بر امری تهدیدی آمده باشد، نشانه اهتمام آن حکم است و لذا فقها وجوب بسیاری از احکام را از لحن برخی از روایات استفاده می کنند؛ از جمله درباره حجاب در روایت آمده است: «هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت، ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش، آشکار نمی کند و همچنین موی سر و مچ خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴). همچنین در روایتی اسبغ بن نباته از علی نقل کرده است: «در آخرالزمان و یا زمان ظهور حضرت مهدی که بدترین زمانهاست، زنانی ظاهر می شوند بی حجاب و عریان بیرون آمده خودنمایی می کنند،... و به شهوت رانی روی می آورند و به لذت جویی هاستابانند، حرامهای الهی را حلال می کنند و در جهنم همیشه خواهند ماند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۹۰). در روایت دیگری رسول اکرم زنان بدحجاب را اهل جهنم می داند و می فرماید: (... زنانی که پوشش [تن نما] دارند و برهنه اند، کج راه می روند و دیگران را نیز به کج روی تشویق می کنند، سرهایشان همچون کوهان شتر خراسانی فروهشته است. اینان به بهشت نمی روند و بوی بهشت را که از فاصله ای چنین و چنان (بسیار زیاد) به مشام می رسد، استشمام نمی کنند» (بیهقی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۳۳۱).

۳-۳. شبهات تاریخی

در شبهات تاریخی مسائلی مانند تاریخ‌مندی آیات حجاب و اختصاص آن به عصر نزول و یا عدم وجود حجاب قبل از اسلام و بدعت بودن حجاب مطرح می‌شود.

الف) آیات حجاب، داستان‌هایی از فرهنگ رایج عصر نزول

برخی از فمینیست‌های به ظاهر اسلامی، شبهه تاریخ‌مندی آیات را مطرح می‌کنند. بدین‌بیان که قرآن را باید در چارچوب شرایط و زمانی بررسی و تحلیل کرد که در آن نازل شده است. بر این اساس، بسیاری از آیات به وقایع خاصی مربوط می‌شوند که در زمان پیامبر رخ داده‌اند؛ از جمله آیات حجاب در شرایط خاص فرهنگی و باورهای اجتماعی حجاز بیان شده است که متأثر از نگاه مردسالارانه مردم آن زمان و مکان است. در کتاب قرآن و زن آمده است:

نوع پوشش در عصر حاضر با توجه به نگاه مردسالارانه به زن از ناحیه جبر فرهنگی جوامع است؛ بنابراین قرآن درصدد تشریح حجاب نبوده، بلکه آیات حجاب داستان‌هایی در مورد فرهنگ رایج عصر نزول، برای نشان دادن اهمیت مسئله حضور اجتماعی زن همراه با عفاف است. افزون بر این که نکاتی که برخی از مفسران مرد گفته‌اند ناشی از نگرش مردانه رشدیافته در گفتمان غالب مردسالاری است تا این که نظر قرآن باشد (ودود، ۱۳۹۳، ص ۲۵ و ۲۳ و ۸۲).

محمد شحرور نیز در این زمینه می‌گوید: «حجاب زن مرتبط با عرف زمان صدور آیات برای تمایز زنان برده از زنان آزاد بوده؛ بنابراین حجاب یک مفهوم اجتماعی بوده و ربطی به اسلام ندارد (شحرور، بی‌تا، ص ۱۷۴).

ب) تأسیسی بودن حکم حجاب در اسلام

یکی دیگر از شبهات وارد شده این است که حجاب و پوشش در زمان‌های دیگر وجود نداشته و تنها در دین اسلام مطرح شده و اگر حجاب حکمی فطری برای زنان بوده باید در تمام ادیان و حتی اقوام قبل از اسلام، مطرح می‌شد؛ به همین دلیل برخی اساساً منکر پوشش زنان قبل از اسلام شده و می‌گویند اساساً حجاب و روپوش زنان پیش از اسلام وجود نداشته، بلکه نظامی است که اسلام آن را پدید آورده و بدعتی از بدعت‌های اسلام است (عبدالحی، ۱۳۹۴، ص ۴۸۹).

در پاسخ به این دو شبهه باید گفت که با توجه به شواهد تاریخی، حجاب در اقوام و ادیان گذشته وجود داشته و از اختصاصات دین اسلام نیست (ویل دورانت، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۰). دین

۱۷۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۲۳۱). در صحیح بخاری نیز آمده است بعد از نزول این آیه، زنان برای خارج شدن از خانه برای خودشان با ازارها پوششی درست کردند (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ح ۴۴۸۰).

فقره «يَذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهِنَّ» از آیه ۵۹ احزاب نیز بیانگر تصحیح حجاب موجود می‌باشد. جلباب در لغت به معنای ملحفه، سرتاسری، چادر و لباس فراگیری که زن روی لباس‌هایش می‌پوشد (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۵، ص ۳۹۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۷۰) و یذنبین به معنای یُرخین یعنی پوشاندن سر و اطراف بدن به وسیله جلباب است. با توجه به این فقرات بسیاری از عالمان وجوب پوشش سر و اطراف بدن به وسیله جلباب را استنباط کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۳۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۳۳۹) و این به معنای اصلاح حجابی است که وجود داشته است.

شأن نزول این آیه نیز بیانگر تصحیح حجاب موجود در میان زنان بوده (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۹۶؛ صنعانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۰) و از زنان عقیف خواسته شده تا جلباب پوشیده تا به عفت شناخته شده و مورد اذیت قرار نگیرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۹۹؛ سائیس، ۱۴۲۳ ق، ص ۶۶۷۳۴۴). روایات نیز مؤید همین مسئله است (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۵۴).

افزون بر این که بنا به گزارشات تاریخی بعد از نزول این آیه، پوشش زنان مسلمان تحول چشمگیری پیدا کرد. برای نمونه بعد از نزول این آیه زنی عطر فروش به نام حواء، برای خروج از خانه برقع می‌بست و پارچه‌ای روی سر خود می‌انداخت (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۳۹). با توجه به فقراتی که بیان شد، شأن نزول و روایات ذیل دو آیه بیانگر این است که حجاب قبل از نزول این آیات وجود داشته و آیات حجاب در صدد تصحیح نوع حجابی که از قبل وجود داشته می‌باشد و امر در این دو آیه مطلق بوده و مربوط به همه زمان‌هاست.

۳-۴. شبهات اجتماعی

شبهات اجتماعی حجاب گاهی به عدم تصریح به اجتماعی بودن حجاب در قرآن، گاهی به محدودیت‌های ایجاد شده برای زن در فعالیت‌های اجتماعی و گاهی به ملتهب شدن فضای جامعه برمی‌گردد.

الف) عدم تصریح قرآن به اجتماعی بودن حجاب

برخی از نویسندگان مسلمان حجاب را مانع رشد زنان دانسته و می‌نویسند: «اگر امری در متون

دینی که بر وجوب حجاب دلالت کند، وجود داشته باشد، قطعاً دلیل بر اجتماعی بودن آن نیست؛ چون نه در قرآن و نه در روایت دلیلی بر اجتماعی بودن حجاب وجود ندارد، بلکه تنها بر وجوب آن دلالت می‌کند. تقریباً در همه کتاب‌های تفسیر آمده است که دلیل نزول آیات حجاب، متمایز شدن زنان آزاده از کنیزان برای جلوگیری از تعرض مردان مدینه به آن‌ها بوده است. حال با وجود این همه، آیا می‌توان حجاب را یک امر اجتماعی دانست؟» (فلاح تفتی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۸)

ب) حجاب مانع فعالیت و پیشرفت زنان

برخی دیگر از نویسندگان نیز حجاب را سد راه پیشرفت زنان می‌دانند و همین مسئله سبب شده تا دین اسلام را، دین دست‌وپا گیر و ایجادکننده محدودیت برای پیشرفت زنان معرفی کنند (نیر، ۱۴۰۱، ش ۲۲)

در پاسخ به این دو شبهه می‌توان گفت با توجه به شأن نزول آیه ۳۱ نور و آیه ۵۹ احزاب، این نتیجه به دست می‌آید که دستور پوشیدن جلباب و یا پوشاندن گردن و سینه به وسیله خمار برای حضور زن در اجتماع است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۳۲) و با توجه به شواهد تاریخی، پوشش حضرت زهرا علیها السلام و همسران پیامبر اکرم در بیرون از خانه و در فعالیت‌های اجتماعی، جلباب (چادر) بوده است (طبرسی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۵۳). آنچه از منابع تاریخی به دست می‌آید این است که پس از نزول آیات حجاب، خانواده پیامبر برای حضور در اجتماع خود را مقید به رعایت حجاب شرعی می‌دانستند و نسبت به آن حساس بودند و بنابر برخی گزارش‌ها حساسیت آن‌ها نسبت به حجاب در برخی موارد بیش از حد معمول بوده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۹۱؛ ابن‌شاذان، ۱۴۰۷، ص ۵۸) و این مسئله نشان می‌دهد که اولاً امر به حجاب برای فعالیت اجتماعی بانوان است و ثانیاً در زمان پیامبر به علت پابندی زنان به این دستور خداوند، ضرورتی برای اجبار و یا قانونی کردن امر به حجاب دیده نمی‌شد.

افزون بر این که فقره «ذَلِكِ اُذْنِي اَنْ يَعْرِفَنَّ فَلَا يُوْذِيْنَ» (احزاب، ۵۹) یعنی معروف شدن به روش خودشان در اجتماع، که این‌ها زنان آزاد و نجیبه هستند و کنیز نیستند؛ پس اهل هوا و شهوات، ایشان را با مزاح و شوخی اذیت نکنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰)، بیانگر اجتماعی بودن حکم حجاب است؛ بنابراین با توجه به این آیات، حجاب در قلمرو قانون قابل پیگیری است. در مورد شبهه ایجاد محدودیت در فعالیت‌های اجتماعی برای زنان محجبه نیز می‌توان شواهد فراوانی از فعالیت‌های اجتماعی، علمی و سیاسی بانوان از صدر اسلام تا به امروز شمرد که زنان در عین داشتن حجاب، در امور اجتماعی موفق بوده‌اند و حجاب سد راه پیشرفت

آنان نبوده است (طیبی و صفیری فروشانی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۵).

ج) حجاب عامل التهاب بیشتر در جامعه

طراحان شبهه، اصل طرح شبهه را مبتنی بر این قاعده نهادند که انسان از هر چیزی منع شود، نسبت به آن حریص خواهد شد (الإنسان حریصٌ علی ما مُنِع). بر این اساس حجاب که به‌عنوان مانعی بر سر راه دسترسی و لذت مردان به زنان مطرح است، سبب حریص شدن مردان نسبت به زنان بوده و نمود آن در شدت چشم‌چرانی مردان قابل مشاهده است؛ درحالی‌که در غرب به علت نبود حجاب، شدت چشم‌چرانی مردان نسبت به زنان کمتر است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۱). در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت ماهیت عبارت «الإنسان حریصٌ علی ما مُنِع» از حیث آیه یا حدیث یا ضرب‌المثل بودن، مشخص نیست. برخی آن را حدیث نبوی دانسته‌اند که در منابع متقدم و معتبر شیعه نیامده است و تنها برخی منابع متأخر ذکر کرده‌اند (مهریزی، ۱۳۸۰، ج ۱۷، ص ۳۳۸). اگر این عبارت ضرب‌المثل باشد مانند «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» بوده که ضرب‌المثلی اشتباه در همراهی کردن با جماعت در کارهای غلط و بدون قید و شرط است. افزون بر این که منع به صورت مطلق همیشه باعث حریص شدن نمی‌شود. انسان‌ها از خوردن نجاست و سم و بسیاری موارد دیگر منع شده‌اند که طمعی نسبت به آن ندارند. آنچه موجب حرص است تحریک و جهل افراد است. اگر منع به صورت کلی باعث حرص و طمع می‌شود باید قانونگذاری هم حذف شود؛ چراکه قوانین مانند قوانین راهنمایی رانندگی و... سبب ایجاد مانع می‌شوند و حرص انسان‌ها را بیشتر می‌کند (همان، ص ۳۴۲).

۳-۵. شبهات حقوقی

الف) عدم جواز قانونی کردن حجاب به دلیل شخصی بودن

یکی از شبهاتی که در قلمرو مسائل اجتماعی حجاب مطرح می‌شود، این است که برخی با توجه به آیات حجاب این‌گونه نتیجه می‌گیرند که این مقدار پوشش حکمی شخصی، در جهت تربیت و بازدارندگی زن از رفتار منافعی عفت، صادر شده نه غیر از آن... (شحرور، بی‌تا، ص ۶۰۶). در همین راستا برخی دیگر نیز قائلند نوع پوشش مردم در جامعه به خودشان مربوط است و حکومت نباید در این مسئله دخالت کند و یا قانونی وضع نماید (اسلاملو و اکبری، ۱۴۰۲، ص ۲۰) و یا این‌که گفته‌اند حکومت اسلامی تنها در مورد اصول و یا فروع دین می‌تواند قانون وضع کند و در مورد حجاب که نه از اصول دین و نه از فروع آن است، نمی‌توان قانونی وضع کرده و مردم را ملزم به

رعایت آن کرد (همان، ص ۲۲).

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت که اگر نوع پوشش مردم در جامعه شخصی است و ربطی به دولت و وضع قانون ندارد، چرا در کشورهای مختلف برای ورود به برخی مکان‌ها از جمله کلیسا و دانشگاه قوانین پوشش وضع می‌شود؟ این مسئله نشان می‌دهد که حجاب قانون‌بردار است. تنها تفاوت قوانین پوشش در کشورهای مختلف آن است که در هر کشوری برای هر مکانی، حدی از پوشش تعیین شده که معیار این قانونگذاری هم بر مبنای ایدئولوژی حاکم بر آن کشورهاست. اگر این ایدئولوژی حاکم بر مبنای دین اکثریت جامعه باشد، اعتبار این قوانین بیشتر است. افزون بر این که نوع پوشش افراد در جامعه بر افراد دیگر تأثیرگذار است، پس طبیعتاً به قانون و حکومت ارتباط پیدا می‌کند (همان).

علاوه بر این که اساساً فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام اجتماعی دین است و گرنه احکام فردی بدون وجود حاکمیت هم قابلیت تحقق دارد. افزون بر این در شریعت اسلامی حجاب یک فریضه شرعی اجتماعیست و طبیعتاً حاکم اسلامی موظف است بر اساس احکام اسلامی و مصالح جامعه احکام و قوانینی را وضع کند. ضمن آن که در شرایط فعلی با توجه به حساسیت و برنامه‌ریزی دشمن در این حوزه، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ب) نبود حجاب اجباری بعد از نزول آیات حجاب

برخی عدم جواز قانونی کردن حجاب را به شیوه پیامبر بعد از نزول آیات حجاب نسبت می‌دهند و می‌گویند در زمان پیامبر و بعد از نزول آیات حجاب، هیچ‌گونه اجبار و یا قانونی برای حجاب وجود نداشته و ما نیز هم‌اکنون نمی‌توانیم برای حجاب قانونی وضع کنیم (اسلاملو و اکبری، ۱۴۰۲، ص ۲۲).

در پاسخ به این شبهه می‌گوییم در زمان پیامبر ضرورتی برای وضع قانون یا اجباری شدن حجاب وجود نداشت چرا که بعد از نزول آیا حجاب، زنان خود را مقید به این حکم الهی می‌دانستند (ابوداود، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۱۷۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۲۳۱) و حتی یک نفر از آنان بدون پوشش از خانه خارج نمی‌شدند (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ح ۴۴۸۰)؛ بنابراین بدحجابی زنان به صورت یک معضل اجتماعی نبوده تا نیاز به وضع قانون در این زمینه باشد.

ج) منع قانونی شدن حجاب به علت عدم جواز اکراه در دین

در قرآن کریم آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، ۲۵۶) در دین هیچ اجباری وجود ندارد و راه از بیراهه مشخص شده است؛ پس نباید دین و احکام دینی را اجباری کرد و به زور قانون، مردم را به

حجاب وادار نمود (اسلاملو و اکبری، ۱۴۰۲، ص ۱۸).

در جواب به این شبهه نیز باید گفت در این آیه اشاره شده که در اصل انتخاب دین، هیچ اجباری وجود ندارد و هر فردی می‌تواند راه شقاوت و سعادت خود را با دینی که برمی‌گزیند انتخاب کند. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «دین اجباری نفی شده است؛ چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات» و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد؛ چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۴۲)، اما اگر دین انتخاب شد، باید به احکام آن ملتزم و پایبند بود و اگر به هر علتی به این احکام ملتزم نبود، نباید با اعمال و رفتارش کاری کند که شرایط دیندار بودن و مؤمنانه زیستن دیگران را به خطر اندازد. در حوزه فکر، هر فردی می‌تواند حجاب را قبول داشته باشد یا نداشته باشد، اما در حوزه عمل و رفتار، آنجا که رفتارش بر دیگران تأثیر دارد، ملزم به رعایت قوانین حجاب در جامعه و محیط‌های عمومی است؛ چه به این مسئله اعتقاد داشته باشد یا نه (اسلاملو و اکبری، ۱۴۰۲، ص ۱۸).

۸۵



نتیجه

شبهه به التباس و اشتباه درست به نادرست و واقع به موهوم، گفته می‌شود. گونه‌شناسی شبهات آیات حجاب به دسته‌بندی و تحلیل انواع مختلف شبهاتی که در مورد آیات حجاب وارد می‌شود، می‌پردازد. این دسته‌بندی به منظور درک بهتر ماهیت و منشأ شبهات و همچنین ارائه پاسخ‌های مناسب و متناسب به آن‌ها انجام می‌گردد. شبهات وارد شده به آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب به چند بخش شبهات فقهی، حقوقی، تفسیری، تاریخی و اجتماعی قابل تقسیم است. شبهات فقهی به اختلاف در معنا و مصداق فقرات مختلف آیات حجاب از جمله: «زینت»، «ابداء»، «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و معنای «جلباب»، ایمانی بودن و ولایی بودن حجاب می‌پردازد. شبهات تفسیری به کم‌اهمیت بودن امر حجاب به دلیل سیاق و لحن آیات، فردی بودن و عدم وجود مجازات بر بدحجابی اشاره دارد. شبهات تاریخی به ادعای نبود حجاب در صدر اسلام و بیان داستان‌هایی از نوع پوشش زنان و اختصاص داشتن این احکام به صدر اسلام و تأسیسی بودن حجاب اشاره دارد. شبهات اجتماعی نیز، از عدم تصریح قرآن به حجاب در اجتماع، دست‌وپا گیر بودن حجاب برای فعالیت‌های اجتماعی زنان و ایجاد التهاب در جامعه به وسیله حجاب سخن می‌گوید. شبهات حقوقی نیز به عدم جواز قانونی کردن حجاب به دلیل شخصی بودن، نبود حجاب اجباری و یا قانون

حجاب بعد از نزول آیه در صدر اسلام و عدم جواز اکراه و اجبار در دین برمی‌گردد. حال که ماهیت شبهات شناخته شد می‌توان با توجه به فقرات مختلف آیات حجاب، شأن نزول، سیاق و بیان شواهد قرآنی و تاریخی به آن‌ها پاسخ داد که به صورت مختصر در مقاله به آن پرداخته شد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، فیض الاسلام

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ج ۲، قم: رضی، ۱۳۶۳.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۶. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۷. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دارالحديث، ۱۴۲۰ ق.
۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۹. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. اسلاملو، نعیمه و اکبری، آزاده، بی پرده با حجاب (کاربردی ترین پاسخ به شبهات و چالش های عفاف و حجاب)، ج ۲۰، کرج: تلاوت آرامش، ۱۴۰۲.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: وزارة الاوقاف جمهورية مصر العربية، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
۱۳. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. جمعی از پژوهشگران، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. دهقان، مجید و عشایری منفرد، محمد، پژوهش های فقهی حجاب (حجاب پژوهی)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۸.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان-سوریه: دارالعلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. زبیدی واسطی، محب الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. زرخش، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت: دارصادر، ۱۹۷۹ م.
۲۰. زرخش، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. سائیس، محمد علی، تفسیر آیات الأحکام، بیروت: المکتبة العصرية، ۱۴۲۳ ق.

۲۲. سروش محلاتی، محمد، «بازشناسی ماهیت حکم حجاب»، مطالعات فقه معاصر، ش ۶ و ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ و بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۲۳. شحرور، محمد، کتاب و القرآن قراءة معاصره، سوریه: نسخه الکترونیکی، بی تا.
۲۴. صدر، محمد، ماوراء الفقه، لبنان - بیروت: دارالأضواء، ۱۴۳۰ ق.
۲۵. صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الأصول، بیروت: الدار السلامیه، بی تا.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: ۱۴۱۳ ق.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، سازمان اوقاف و امور خیریه، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: ۱۳۷۵.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۳. طیبی، ناهید و صفری فروشانی، نعمت الله، «تحلیل و نقل تاریخی نظریه مسئله نبودگی حجاب در قرن اول هجری قمری»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دهم، ۱۴۰۱ ق.
۳۴. عبدالحی، مصطفی ابوالقیظ، ترجمه محمود ابراهیمی، زن در اسلام و شبهاتی پیرامون آن، احسان، تهران، ۱۳۹۴ ش.
۳۵. غلامی، علی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی، جامعه‌شناختی)، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۱.
۳۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۳.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، قم: ۱۴۰۹ ق.
۳۸. فلاح تفتی، فاطمه، حاکمیت عفاف و حجاب، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
۳۹. فلاح تفتی، فاطمه، حاکمیت، حجاب و عفاف (بررسی فقهی حقوقی)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱، ۱۳۹۷.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، قم: بخشایش، ۱۳۷۹.
۴۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۴۴. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدی البلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.

۴۶. مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، ج ۱۷، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۰.
۴۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۴۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، بیروت-لبنان: ۱۴۰۸ ق.
۴۹. نیر، عباس، «مهم‌ترین شبهات درباره حجاب و پاسخ آن»، مجله مطالعات فلسفی کلامی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۲.
۵۰. همایونی، علویه، زن مظهر خلاقیت الله، اصفهان: نشاط، ۱۳۷۱.
۵۱. ودود، آمنه، قرآن و زن، ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران: حکمت، ۱۳۹۳.
۵۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: اقبال، ۱۳۷۱.
۵۳. یزدی، محمد، فقه القرآن، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.